



وقتی به میدان بهارستان تهران می‌رسی آنچه بیش از همه خوندنمای می‌کند مجسمه میانه میدان است که روحانی‌ای بر منبر نشسته و دست خود را به حالت عتاب به جمعیت بلند کرده است. مجسمه مردی که هر کس بخواهد فردی را به‌عنوان یک نماینده الگو که منافع ملی را بر منافع شخصی‌اش ترجیح می‌داد مثال بزند، اسم او را بر زبان می‌آورد: «سیدحسن مدرس». پیرمردی که در عصر حاضر اگر بخواهیم چند شخصیت برجسته و فعال را در حفظ استقلال کشور نام ببریم، قطعا او یکی از آن افراد است. «سیدحسن» متولد زواره از توابع استان اصفهان بود و از ۶ سالگی به شاگردی پدربزرگش درآمد و بعد از فوت ایشان به اصفهان رفت تا پای درس بزرگان دین بنشینند و از آنجا هم راهی سامرا و نجف شد. به مدد شاگردی میرزای شیرازی، آخوند خراسانی و سیدمحمدکاظم یزدی یک روحانی انقلابی تمام‌عیار شد که دغدغه اصلی‌اش حفظ عزت و استقلال ملک اسلام بود.

■ شروع فعالیت‌های سیاسی از انجمن مقدس ملی اصفهان

فعالیت سیاسی او با عضویت در انجمن مقدس ملی اصفهان آغاز شد. در ۱۲۸۹ هم‌زمان با تشکیل دوره دوم مجلس شورای ملی که پس از استبداد صغیر برپا شد، نورالله یحقی‌اصفهانی از سوی آخوند خراسانی و عبدالله مازندرانی به‌عنوان یکی

از مجتهدان تراز اول به مجلس شورای ملی معرفی شد که وی نیز مدرس را برای این امر معرفی کرد و از سوی مجلس نیز پذیرفته شد. وی در دوره سوم نیز از طرف مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد ولی این مجلس به علت فشار خارجی و آغاز جنگ اول جهانی یک سال بیشتر دوام نیاورد. مدرس خود در این باره می‌گوید: «مجلس جوانمرد گ شد.»

■ تشکیل کمیته دفاع ملی
در ۱۲۹۳ خورشیدی (۱۳۳۲ قمری) که جنگ اول جهانی شروع شد، دولت ایران رسماً اعلام بی‌طرفی کرد اما نیروهای روسیه، انگلیس و عثمانی، بدون توجه به این بی‌طرفی وارد کشور شدند و به درگیری با یکدیگر پرداختند. در ۱۲۹۵ (۱۳۳۴ قمری) ۲۷ نفر از نمایندگان مجلس و گروهی از رجال سیاسی و مردم عادی به منظور مقابله با تجاوزات روس و انگلیس به ایران، به طرف قم حرکت کردند و در آن شهر «کمیته دفاع ملی» را تشکیل دادند و یک هیأت ۴ نفره را برای اداره امور برگزیدند که مدرس یکی از آنان بود.

■ قرارداد ۱۹۱۹ و اقدامات مدرس
سیدحسن مدرس همواره بر حفظ منافع ملی تاکید داشت اما در اینجا اختصارا به عملکرد وی روی یک قرارداد تنگین تاریخی اشاره می‌کنیم که به موجب اقدامات انقلابی سیدحسن مدرس



هر امتیازی که ایران به هر کشوری می‌دهد به آنها نیز بدهد از دادن یک امتیاز انحصاری به یک کشور نارضی بودند چراکه ایران را مستقیما تحت‌الحمایه و به نحوی مستعمره انگلستان می‌کرد و خواهان لغو امتیاز یا دادن این امتیاز به آنها نیز شدند.

آزاده‌ای که در عصر تاریک انحطاط یک تنه مقابل استبداد و استعمار ایستاد

یک نماینده انقلابی و باطل شدن قرارداد ۱۹۱۹

- امیرعلی‌جهاندار ‏ ‏

■ متن قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس

نظر به روابط محکمه دوستی و مودت که از سابق دولتین ایران و انگلیس موجود بوده است و نظر به اعتقاد کامل به اینکه مسلمانا منافع مشترکه و اساسی هر دو دولت در آتیه تحکیم و تثبیت این روابط را برای طرفین الزام می‌نماید و نظر به لزوم تهیه وسایل ترقی و سعادت ایران به حد اعلی بین دولت ایران از یک طرف و وزیرمختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان بنمایند که از دولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر می‌شود:

۱- دولت انگلستان با قاطعیت هر چه تمام‌تر تعهداتی را که مکررا در سابق برای احترام مطلق استقلال و تمامیت ایران کرده‌است، تکرار می‌کند.
۲- دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصص را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل شود، به خرج دولت ایران تهیه خواهد کرد.

۳- دولت انگلیس به خرج دولت ایران

صاحب‌منصبان، ذخایر و مهمات جدید را برای

تشکیل قوه متحدالشکل که دولت ایران ایجاد آن

را برای حفظ نظم در دامنه سرحدات در نظر دارد،

تهیه خواهد کرد.

۴- برای تهیه وسایل نقدی لازم‌به جهت اصلاحات مذکور در ماده دو و سه این قرارداد، دولت انگلیس حاضر است یک قرض کافی برای دولت ایران تهیه یا ترتیب آن را دهد.

تضمین‌نامه کتبی از طرف دولت بریتانیا که اگر در نتیجه بسته شدن قرارداد شورشى در ایران برپا نخاست و حکومت وثوق‌الدوله سقوط کرد دولت انگلیس هر سه وزیر عاقد قرارداد را در یکی از مستملکات خود به‌عنوان پناهنده سیاسی بپذیرد.

۵- دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات فوری دولت ایران به ترقی وسایل حمل‌ونقل که موجب تأمین و توسعه می‌باشد حاضر است با دولت ایران موافقت کرده و اقدامات مشترک که ایران و انگلیس راجع به تأمین حفظ راه‌آهن یا اقسام دیگر وسایل نقلیه تشویق کند.

۶- دولتین توافقی می‌کنند در باب تعیین متخصصان برای تشکیل کمیته، که تعرفه گمرکی را مراجعه و تجدیدنظر کرده و با منافع حقه مملکت و تمهید و توسعه وسایل ترقی آن تطبیق نماید.
طبق این موارد در نظام آینده ایران وزرای ایرانی از هر وزارتخانه‌ای که بودند مستشاری بالای سر خود داشتند که از اوامر او نمی‌توانستند سرپیچی کنند و در صورت بروز اختلاف میان وزیر و مستشار به نحوی یکی از آنها باید کنار برود.

■ ترس و هراس خیانتکاران از خشم ملت

در امضای قرارداد ننگین ۱۹۱۹ سه تن از وزرا که از رجال باسابقه ایرانی بودند، دست داشتند. این افراد عبارت‌ند از: نخست‌وزیر (وثوق‌الدوله)، وزیر خارجه (شاهزاده فیروزمیرزا نصرت‌الدوله)، وزیر دارایی (شاهزاده اکبرمیرزا صارم‌الدوله)، وزرای سه‌گانه که این قرارداد را از جانب ایران امضا کرده بودند (حتی بی‌آنکه اعضای دیگر کابینه را از جریان مذاکرات مطلع کنند) هر سه از عاقبت خود بیبمناک بودند و می‌ترسیدند پیش از تصویب قرارداد در مجلس، انقلابی در ایران رخ دهد و زمام حکومت از دستشان خارج شود که در آن صورت (همچنانکه خودشان می‌دانستند) رهایی از دست چنین حکومتی برای هیچ کدامشان امکان‌پذیر نبود. از این جهت، برای رهایی از یکفره که احتمال می‌رفت دامنگیرشان شود، ۲ امتیاز اساسی از دولت بریتانیا می‌خواستند:

۱- تضمین‌نامه کتبی از طرف دولت بریتانیا که اگر در نتیجه بسته شدن قرارداد شورشى در ایران برپا خاست و حکومت وثوق‌الدوله سقوط کرد دولت انگلیس هر سه وزیر عاقد قرارداد را در یکی از مستملکات خود به‌عنوان پناهنده سیاسی بپذیرد.
۲- به هر کدام از این پناهندگان سیاسی در طول مدت تبعید (که ممکن بود تا آخر عمرشان طول بکشد) حقوقی برابر عایدات شخصی آنها در ایران پرداخت شود که بتوانند بقیه عمر را در رفاه و آسایش بسر برند.

وزیر مختار بریتانیا در تهران، قسمت اول این تقاضا را قبول و تضمین‌نامه‌ای با شرح زیر تسلیم هر یک از وزرای سه‌گانه کرد:«عالیحجناب برحسب اجازهای که از طرف حکومت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به دوستدار داده شده است، یا کمال خوشوقتی به اطلاع می‌رسانم با توجه به قراردادی که همین امروز- نهم آگوست ۱۹۱۹ - میان دولتین بریتانیای کبیر و ایران بسته شد، حکومت اعلیحضرت پادشاه انگلستان آماده است در صورت احتیاج به وسیله مقامات سفارت انگلیس در تهران از شما پشتیبانی کند و اگر لازم شد آن‌عالیحجناب

را در یکی از سرزمین‌های متعلق به امپراتوری بریتانیا به‌عنوان پناهنده سیاسی بپذیرد.

با احترامات: پرسی.ز.کاکس»

نسبیت به تقاضای دیگر این سه وزیر که در عرض دوران پناهندگی در خارجه، مواجبی معادل درآمد هنگفت املاکشان در تهران، اصفهان یا همدان دریافت کنند، جواب صریح رد داده شد.

طراح اصلی این قرارداد که از سال‌ها پیش درصدد سلطه کامل انگلیس بر ایران بود، کرزن بود. او که قبل از حوادث روسیه رویای تسلط بر ایران را در سر داشت و با تقسیم ایران با یک دولت دیگر بشدت مخالفت می‌کرد، پس از سقوط رژیم تزاری و کنار کشیدن روسیه از همه منافع استعماری‌اش، به فکر انعقاد قراردادی افتاد؛ بویژه آنکه پس از تاسیس جامعه ملل و امضای منشور آن، تجاوز مستقیم به کشورها و الحاق خاک آنها به خاک کشور فاتح رسماً ممنوع بود و در کشوری مثل ایران که بیش از یکپنجاه کیلومتر مرز مشترک با روسیه داشت، اقدام به چنین عملی به منزله اشغال دائم و تقسیم کشور و در حکم انتحار سیاسی بود.

وثوق‌الدوله که از یک‌سو انگلیس را تنها پناهگاه ایران می‌دانست و از سوی دیگر از مخالفت ملت و رجال سیاسی با این قرارداد به‌خوبی آگاه بود، درصدد برآمد با وادار کردن انگلیس به لغو قراردادهای پیشین چون قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ و الغای کابیتولاسیون و پلیس جنوب و سیردن فرماندهی لشکر قزاق به افسران ایرانی تا حدی محبوبیت کسب کند.

ولیکن خبر انتشار قرارداد ۱۹۱۹ موجی از مخالفت را برانگیخت بویژه که در ساده اول آن محترم شمردن استقلال و تمامیت ارضی ایران گنجانده شده بود یا به تعبیری «در قاموس سیاست اروپایی معنی جمله (ضمانت استقلال و تمامیت مملکت یک دولت از طرف یک یا چند دولت خارجی) این است که آن مملکت ضمانت شد. بالمآل ضمیمه مملکت دولت ضامن گردد یا اینکه اگر در این ضمانت یک یا چند دولت دیگر هم مشترک باشند بین آنها تقسیم شود و قدم دوم این ضمانتنامه تعیین منطقه نفوذ است و بعد از آن الحاق.»

■ شروع اقدامات انقلابی برای مقابله با قرارداد ۱۹۱۹ به محورت سیدحسن مدرس

مقارن ورود هیات‌های انگلیسی به ایران، سیدحسن مدرس و شیخ حسین لنگرانی علیه قرارداد سخنرانی‌هایی کردند و مردم را به مخالفت با این قرارداد برانگیختند. حاج‌آقا جمال اصفهانی از مجتهدان محافظه‌کار و بنام تهران نیز که به طور معمول در سیاست مداخله نمی‌کرد، به مخالفت با این قرارداد پرداخت. «حمدعلی سید» یکی از شاهدان واقعه در خاطرات می‌نویسد: «میزبان محترم آشیخ حسن لنگرانی ا اظهار کرد من مصمم هستم امشب ملاقاتی از دو مجتهد بزرگ بنمایم. از حاج امام جمعه خوئی استعما کنم دستور دهند مسجد ترک‌ها برای ایراد وعظ و خطابه در اختیار آزدیخواهان قرار گیرد و از آقا سیدحسن مدرس تنها کنم رابطه شخصی خود را هم با وثوق‌الدوله قطع و پیشوایی نهضت مخالفان قرارداد را بپذیرد.» و پس از آن سیدحسن مدرس که از طرفی مجتهد تراز اول تهران بود و از سوی دیگر نماینده اصلی مردم تهران در مجلس، پیشوایی نهضت را برعهده گرفت و راهبری نیروهای ملی را ادامه داد.

مخالفان قرارداد در این باره حتی حزبی علیه تشکیلات وثوق‌الدوله و افرادی که مانند آن با گرفتن رشوه به دفاع از قرارداد می‌پرداختند، تشکیل دادند. «حسن اعظام‌الوزرا قدسی» یکی دیگر از شاهدان وقت در این باره می‌گوید: «با تلاش‌ها و کوشش‌های علما و آقا سیدموسی مجتهد حزبی به نام جامعه ملیون اسلامی تشکیل شد و پس از تنظیم مرامنامه و نظام‌نامه کاغذهایی به نام جمعیت و حزب جامعه ملیون اسلامی طبع و مهری نیز حاضر شد

و شروع به پخش اعلامیه و اطلاعیه و شب‌نامه کرد و از اشخاص برجسته معروف چون آقا میرزارضخان نائینی، حاج‌شیخ حسین یزدی، حاج‌شیخ زین‌العابدین شاه‌حسینی، مستشارالدوله، ادیب‌السلطنه، آقا سیدفالحه خان نواب و سیدحسن مدرس برای عضویت در حزب دعوت شد.» همچنین این جمعیت باینه‌ای علیه قرارداد انتشار داد و مقدمات مراجعت احمدشاه به ایران را فراهم کرد. شعرای آزادیخواه نیز چون میرزاده عشقی، فرخی‌یزدی، انی، ایرج‌میرزا و عارف، اشعار بسیار گزنده‌ای علیه وثوق‌الدوله و قرارداد سرودند.

شاید یکی از تأثیر گذارترین اقدامات منابر سخنرانی‌ها در محرم سال ۱۳۳۸ ق بود. علما خواستند مساجد را سیاهپوش کنند و عموم مردم را به قیام علیه قرارداد ۱۹۱۹ ترغیب و دعوت کنند. عده‌ای از وعاظ هم در مجالس روضه‌خوانی و عزاداری در مسجد عبدالرحسین علیه قرارداد سخنرانی کردند، کم‌کم این مساله به همه کشور تسری پیدا کرد و هیات‌های مذهبی تبدیل به مهم‌ترین پایگاه برای مقابله با قرارداد ۱۹۱۹ شد.

■ نطق انقلابی مدرس در مخالفت با ۱۹۱۹

مطابق با قانسون، هر قرارداد بین‌المللی باید به تصویب مجلس می‌رسید و وثوق‌الدوله ناگزیر ۱۹۱۹ را به مجلس آورد تا مورد رأی نمایندگان مجلس شورای ملی قرار گیرد. امضای قرارداد وثوق‌الدوله مصادف با دوره سوم مجلس پس از مشروطیت بود. قرارداد برای تصویب به مجلس آمد اما مورد مخالفت تعدادی از نمایندگان قرار گرفت که بزرگ‌ترین آنها آیت‌الله سیدحسن مدرس بود. هنگام بررسی قرارداد ۱۹۱۹ در مجلس، مدرس بیاناتی انقلابی را ایراد کرد. از آن جمله گفت: «هی آمند و به من می‌گفتند که این قرارداد کجایش بد است؟ بگوئید تا برویم اصلاح کنیم. من جواب می‌دادم آن چیزی که در این قرارداد بد است همان ماده اولش است که می‌گوید ما (انگلیس) استقلال ایران را به رسمیت می‌شناسیم(خنده نمایندگان). این حرف مثل این است که یکی بیاید و به من بگوید سید من سید بودن تو را به رسمیت می‌شناسم. این قرارداد استقلال مالی و نظامی ایران را از بین می‌برد چون اگر بخواهیم ایران مستقل بماند باید همه چیزش در دست ایرانی باشد… اما این قرارداد یک دولت خارجی را در دو چیز مهم مملکت ما شریک می‌کند: در پولش و در قوه نظامی‌اش. این دلیل اصلی مخالفت من با این قرارداد است.»

■ پاسخ مدرس به وثوق‌الدوله: ایران را ارزان فروختید

مدرس در پاسخ وثوق‌الدوله که به ایشان گفت چرا با این قرارداد مخالفت می‌کنید، می‌گوید: «انگلیس کیست که استقلال ما را به رسمیت بشناسد؟ آقای وثوق! چرا شما اینقدر ضعیف هستید؟» وثوق‌الدوله پاسخ می‌دهد که آنها به ما پول هم دادند و مدرس تاکید می‌کند: «آقای وثوق! اشتباه کردید. ایران را ارزان فروختید.»

■ قراردادی که ورق‌پاره شد

شخص وثوق‌الدوله و واسطه‌های زیادی سراغ آیت‌الله مدرس رفتند و ایشان در جواب آنها گفت: «شما ضرر خواهید کرد. اگر قرارداد لغو شد همیشه متضرر و منغور و از سیاست دور خواهید شد و اگر قرارداد عملی شد، دیگر انگلیس با شما کاری ندارد و برای رضایت ملت ایران، شما را فدا خواهد کرد.»

با تلاش آیت‌الله مدرس و چند تن دیگر قرارداد ۱۹۱۹ در مجلس تصویب نشد و قبل از اینکه لغو آن اعلام شود به ورق‌پاره‌ای تبدیل شد. وثوق‌الدوله نیز از نخست‌وزیری بر کنار شد و مدرس کاری کرد که اعتبارنامه نمایندگان طرفدار قرارداد در مجلس چهارم هم تصویب نشود.



اشاره
آیت‌الله کاشانی:
انگلیس از خائنین به ایران حمایت می‌کند
نوشته زیر برگزیده‌ای از اظهارات آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی در حوادث منجر به ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از انگلیس است. <p>✽ مردم ایران میل ندارند هیچ دولت بیگانه‌ای با عمال دولت اجنبی در کارهای داخلی مملکت ما دخالت کنند ولی عمال انگلیسی‌ها در انتخابات ما دخالت می‌کنند. من سیاست انگلستان را همیشه برای ممالک اسلامی برضر دیده‌ام و از بس شاهد مشقات و رنج‌هایی بوده‌ام که برداران مسلمان و هموطنان ایرانی از سیاست انگلیس دیدند حاضر نیستم حتی با انگلیسی‌ها روبه‌رو شوم. (ایران، کوه آتشفشان، محمدحسین هیکل، ترجمه سیدمحمداصفایی، قسمت ضمائم کتاب، ص ۱۸۴ به بعد)</p> <p>✽ دولت انگلیس در مدت ۵۰ سال در امور ایران مداخلات ناروا کرده این دولت به هیچ‌وجه خود را پایبند به استقلال و احترام به دولت‌ها نمی‌نماید. در سابق دولت روسیه تزاری با انگلیسی‌ها همدست بود. در شمال ایران روس‌ها و در جنوب ایران انگلیسی‌ها بودند و مقام بی‌شماری مشترک آنست به ملت رنج‌دیده ایران می‌کردند. پس از جنگ بین‌الملل اول یک بار دیگر ایران تحت نفوذ سیاسی انگلستان قرار گرفت… من از سن ۲۰ سالگی دارای افکار آزادیخواهانه بوده‌ام و از استعمار و ظلم و تعدی که برخلاف حق خدادادی و شایعه بشری می‌شود، بیزار و متنفر بوده‌ام و ابران مخالفت کردم. در بین‌النهرین علیه سیاست تجاوزکارانه انگلیسی‌ها مبارزه کردم و برای نجات آن خطه از شر استعمار انگلیس با سایر آزادیخواهان همکاری نمودم سپس به ایران آمدم و پس از ۳۰ سال زحمت و مشقت متوالی به خواست خداوند متعال، ملت ایران را بیدار کردم و با همکاری سایر رهبران موفق به ریشه‌کن نمودن نفوذ سیاسی انگلستان از این مملکت شدم… شهرت من روی اصل مجاهدات و مبارزات شدید و متدافی من علیه سیاست استعماری بریتانیا بوده است… ملت‌های جهان اعم از مسیحی و مسلمان ایستی دست به دست می‌دهند و مقام دولتهای استعماری را از هر ناحیه و به وسیله هر کس که باشد برطرف کنند تا زمانی که سیاست استعماری در دنیا باقی است جنگ‌های خلمان‌سوز و فناکننده جامعه بشری از دنیا محو و نابود نخواهد شد. اگر ریشه استعمار و استثمار از جهان برکنده شود قطعاً دنیا روی سعادت و محال و امیدوار دید و ملت‌ها در رفاه و آسایش دائمی به سر خواهند برد. (مجموعه مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی، ج دوم، صفحات ۱۵ به بعد)</p> <p>✽ دولت انگلستان سال‌هاست برای تسخیر سیاسی و اقتصادی کشورهای خاورمیانه یک مکتب استعمار و استثمار داشته است اگر روش سیاسی انگلستان در ایران و سایر کشورهای خاورمیانه با تجاوز و تعدی و ظلم توأم نمی‌بود دولت آن کشور این قدر مورد نفرت و کینه مردم خاورمیانه و به‌خصوص ایرانیان نبود… در نتیجه سیاست ظالمانه انگلستان طی سال‌های متدافی اگر امروز کسی به سیاست آن کشور اظهار علاقه کند منغور و مغضوب مردم خواهد شد… پس از سقوط حکومت تزارها اتحادی تمام افراد و اشخاصی که بر دوش مردم زحمتکش این مملکت سوار شده و تعدی می‌کرده‌اند فقط و فقط به انگلستان و سیاست استعماری آن کشور مربوط می‌شود. در طول تاریخ تمام عمال خائن در ایران چه در دستگاه دولت و چه خارج از دستگاه دولت متصل به یک رشته بوده‌اند و سران رشته در سفارت انگلیس بوده‌اند. اگر انگلیسی‌ها از خائنین ایران حمایت نمی‌کردند سال‌ها بعد مردم تمام آنها را نابود کرده بودند، زیرا تعداد خائنین کم ولی حمایت انگلستان از آنها زیاد بوده است… برای اینکه به میزان عدم رضایت مردم ایران نسبت به سیاست استعماری بریتانیا بهتر بی‌برید یادآوری می‌کنم که در اوایل جنگ جهانی دوم که من در بازداشت انگلیسی‌ها بودم و ارتش انگلیس و سایر متفقین در مملکت ما حضور داشتند مردم ایران مرا به نمایندگی خود در مجلس انتخاب کردند و اگر سوابق مبارزات من با سیاست استعماری بریتانیا در نظر گرفته شود، انتخاب من به نمایندگی مردم تهران آن هم در چنان وضع و موقع دشواری در حقیقت یک رفت‌وآمد برای استعجاش میزان عدم رضایت مردم ایران از سیاست استعماری انگلستان است. (روزنامه اطلاعات ۲۰ و ۲۱ مرداد ۱۳۳۰)</p> <p>✽ یکی از خوشبختی‌های ملت ایران آن است که قطع معاملات با انگلیسی‌ها بشود. اولاً ایران محاصره اقتصادی نمی‌شود و از تمام دنیا اجناس به نازل‌ترین قیمت در دسترس ایران قرار خواهد گرفت… دوران حکومت زور، دیگر سسیری شده… اگر فشار اقتصادی بر ما وارد آورد، نه تنها در ایران معامله با آنها به کلی از بین می‌رود، بلکه شاید تمام ممالک اسلامی را وادار کنیم با انگلیسی‌ها قطع معاملات کنند و یقین است که خطر و ضرر این کار برای انگلیسی‌ها از حد و حساب خارج خواهد شد. (مجموعه‌ای از مکتوبات، پیام‌ها، سخنرانی‌های آیت‌الله کاشانی، جلد دوم، ص ۲۱ الی ۲۶، روزنامه اطلاعات، هفتم مهر ۱۳۳۰)</p> <p>منبع: تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران</p>